

## **Angelical Concepts and Keywords: A Textological Approach to the Meaning and Usage of Some Termini Tecnichi in Manichaean Angelology**

**Mohammad Shokri-Foumeshi\***

### **Abstract**

Based on Manichean Middle Iranian texts and with a textological approach, the present article tries to define the meaning and usage of some *termini technici* in Manichean angelology, especially the words “angel” (*frystg*, *fryštġ*) and “apostle, messenger” (*frystg*, *fryštġ*). The use of a word for two meanings and/ or two concepts in the Manichaica was a result of the redefinition that each of the different Manichaean communities presented of the two concepts “angel” and “apostle, messenger”. The article shows that the Iranian term *frys/štġ* has been redefined and expanded in meaning in Manichaean literature under the influence of Syriac writings; A redefinition that could create an angel from an apostle/ a messenger and a king from the angel. Here, we also examined the *termini technici* God, Son of the God, and showed in what contexts these terms appear and what examples they refer to. Our study shows that all these were used not only for angels and historical characters (like Mani and Manichaean leaders as well as previous apostles), but also included at least one of Manichaean gods, i.e. “Third Messenger”.

**Keywords:** Frystg, Fryštġ Angel, Apostle, God, Son of the God, Manichaean Middle Iranian, Manichaean Terminology.

\* Assistant Professor, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, mshokrif@gmail.com

Date received: 2022/09/26, Date of acceptance: 2022/12/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## انگاره‌ها و کلیدواژه‌های فرشتگانی: رویکردی متن‌شناختی به معنا و کاربرد چند واژه دانشورانه در فرشته‌شناسی مانوی

محمد شکری فومشی\*

### چکیده

این مقاله بر اساس متن‌های ایرانی میانه مانوی و با رویکردی متن‌شناختی به بازشناخت معنا و کاربرد چند واژه دانشورانه/ دانش‌واژه در فرشته‌شناسی مانوی، به‌ویژه لغت «فرشته» (frystg, fryštġ) و «فرستاده» (frystg, fryštġ)، می‌پردازد. کاربرد یک لفظ برای دو معنا و/ یا انگاره در مکتوبات مانوی نتیجه بازتعریفی بود که هر یک از جماعت‌های مختلف مانوی از دو انگاره «فرشته» و «فرستاده» ارائه داده بودند. مقاله نشان می‌دهد واژه ایرانی frystg/štg در ادبیات ایرانی مانوی بازتعریف شده و گسترش معنایی یافته است؛ بازتعریفی که می‌توانست از یک رسول یک فرشته و از آن فرشته یک شاه بیافریند. در اینجا، واژه‌های دانشورانه بغ و و بغ‌پور را نیز بررسی کردیم و نشان دادیم این لغات عالمانه در چه بافتارهایی ظاهر می‌شوند و به چه مصداق‌هایی اشاره دارند. بررسی ما گویای آن است که همه این دانش‌واژه‌ها نه تنها برای فرشتگان (ملائکه) و شخصیت‌های تاریخی (مانند شخص مانی و رهبران مانوی و همچنین رسولان پیشین) به کار می‌رفته، بلکه دایره شمول آن ایزدان سه فراخوانی، مانند «فرستاده سوم»، را نیز در بر می‌گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** فرشته (مَلک)، فرستاده (رسول)، بغ و بغ‌پور، ایرانی میانه مانوی، واژه‌شناسی مانوی.

\* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، mshokrif@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

یکی از مسئله‌های مهم در واژه‌شناسی و فرشته‌شناسی مانوی آن است که در مکتوبات مانویان ایرانی دانش‌واژه/ واژه‌دانشورانه (Terminus technicus) «فرشته»<sup>۱</sup> (frys/štg «پیک»، «قاصد»، «سفیر» و «پیغام‌بر»؛ عنوان موجوداتی روحانی و مجرد و غیرمادی و لطیف که دستیاران آسمانی خداوند و واسطه میان خدا و انسان‌اند؛ همان که در ادبیات سامی «ملک» خوانده می‌شود؛ مصاحب ۱۳۸۰: ۱۸۷۷، ذیل «فرشته» و دانش‌واژه «فرستاده» (در اینجا نیز fryš/štg؛ به معنی «رسول» و «حواری» و «پیام‌آور» و «پیامبر») به‌روشنی از هم بازشناخته نمی‌شوند؛ هم‌چنان‌که در متن‌های ایرانی میانه هر دو از ریشه‌ای واحد می‌آیند و یکسان نوشته و خوانده می‌شوند. در اینجا، پس از طرح مباحثی در باب انگاره‌های فرشته‌شناسانه پیشامانوی و تغییر در شرایط مصادیق در زمینه دریافت معنا به طریق اولی، گرایش زبان‌شناسانه خود واژه fryš/štg به هر دو معنا، و شرایط انتخاب معنای صواب یک واژه فنی، می‌کوشم برای رفع برداشت‌های ناصوابی که ممکن است گاهی در ترجمه و تفسیر برخی متن‌های ایرانی میانه مانوی پیش آید، نکاتی دیگر را به شیوه‌ای شفاف‌تر و به شکل مصادیقی ابتدا در مورد واژه‌های عالمانه فرشته/ ملک، فرستاده/ رسول، بغ و بغپور در ساحت فرشته‌شناسی مانوی مطرح کنم؛ و در پی آن اشاراتی دقیق در باب کاربرد این دانش‌واژه برای شخص مانی داشته باشم.

## ۲. مفاهیم پیشامانوی و تغییر در شرایط مصادیق

انگاره‌ها و مفاهیم فرشته‌شناسانه در هر دینی بر پایه بن‌مایه‌های کهن شکل می‌گیرند. از این رو، یکی از دغدغه‌ها در فرشته‌شناسی بازشناخت و تفکیک عناصر نوآورانه از ساخت‌واره‌های مفهومی (Conceptual structures) کهن است. در حقیقت، تجزیه و تحلیل انگاره‌های فرشتگانی به آن دلیل بخش مهمی از پژوهش‌های فرشته‌شناسی مانوی به شمار می‌رود که ترکیب زیرساخت‌های سنت فرشتگانی پیشامانوی با عناصر نوآورانه مانوی مؤلفه‌های گونه‌گون و گسترده می‌آفریند که بازشناختشان از یک‌دیگر چندان آسان نیست؛ مفاهیمی جدید که همه آنها در سامانه آموزه‌ای و آیینی مانوی به قطع و یقین بازتعریف شده‌اند.<sup>۲</sup> این بازتعریف‌ها، چه در محتوا (Content) و چه در ساختار (Structure)، اگرچه در مجموع به تغییر پارادایم (Paradigm change) منجر نشد، در برخی الگوهای معرفتی تحولی بنیادین ایجاد کرد، با این که قرائت و تفریری که مانی در فلسفه و جهان‌بینی با چیدمانی نوین عرضه کرد همانند پیشینیانش، رویکردی ذات‌گرا (Substantialist) داشت.

اما شناخت مانوی از مفاهیمی که در سنت‌های پیشین وجود داشت بی‌تردید به نگرش خاص این کیش وابسته بود. این رویکرد که همان طرز تلقی (attitude) مانوی بود به‌طور سامان‌مند منجر به بازتعریف اغلب انگاره‌های پیشین شد. در این نگاه به‌طور کلی فرد می‌کوشد در پردازش نظامی جدید کاررفت‌های تاریخی انگاره‌های کهن را به قابلیت‌های مفاهیم موجود پیوند زند و آنها را با عنایت به هم‌زمانی دید (Synchronic vision) در مجموعه‌ای از ترکیب‌ها و هم‌آمیغی‌های زبانی و دینی در آن واحد ببیند.<sup>۳</sup> این دید و برداشت با جرح و تعدیل ماهیت و/یا کارکردهای یک انگاره در نظام‌های پیشین صورت می‌پذیرد. برای نمونه و در مقام یک مصداق، اگرچه فرشته مانوی یاقوب (y'qwb) در برخی متون یهودی یک «رسول» (یعقوب) است، مانویت برای هماهنگ‌سازی (Synchronization) مؤلفه‌هایش با برخی گونه‌های گنوسی همگام شد و پس از هم‌آمیغی برخی خویشکاری‌های کهن و نوآورانه از او یک «فرشته» ساخته است،<sup>۴</sup> اگرچه نه مطلقاً فارغ از این واقعیت که پوسته سخت جهان‌بینی سامی از او چه شخصیتی ارائه داده است؛ باریکه‌ای از پیوند که همواره باقی می‌ماند. نیک پیداست که مانی دست‌کم به جهت مخالفت آشکاری که با یهودیت و پیامبران یهودیت ارتدکس داشت (اگرچه به هر حال از منابع یهودی بهره می‌برد)، نمی‌توانست یاقوب را در سامانه‌اش یک پیامبر در نظر گیرد. آنچه در چنین نگاه و رویکردی اهمیت دارد این است که مانی یا مانویان چه طرز تلقی‌ای از انگاره‌ای چون «فرشته» داشته‌اند، فارغ از این که مصداقیش در نظام‌های پیشین متناظر با چه مفهوماً و انگاره‌هایی (چون ایزد، رسول، شاه یا قهرمان) بوده باشند.

اما این برداشت معرفت‌شناختی بی‌تردید به زنجیره‌ای از آموزه‌ها (Cycle of doctrines) و تجربه‌های دینی (Religious experience) وابسته بود. اگر مانویت، برای نمونه، واژه دانشورانۀ امهرسپندان (mhr(')spnd'n) را از گنج‌واژه زرتشتی برگزید، به تاریخ آموزه مربوط به این واژه و مفهوم عناصر لطیف در دیانت زرتشتی و فلسفه هلنی و نظام‌های گنوسی مرقیونی و بردیسانی نیز توجه داشت (سنج. دوبلوآ ۱۴۰۱: ۱۲۸-۱۳۱). به عبارت دیگر، مانی و شاگردانش این نوع واژه‌ها را با توجه به کیفیتی که در آن آموزه‌ها داشتند برگرفته و آن‌گاه آن‌ها را در تحلیل جدیدشان از خدانشناسی بازتعریف کرده‌اند. چنین مفاهیمی با توسل به شگرد تداعی (Association) در نوع خاصی از سیستم دینامیکی جای گرفت که توانست سامانه‌های پیشین را بر هم زند و الگوهایی جدید بیافریند که مسبوق به سابقه نبود. مانی، اگرچه نتوانست از بسیاری از الگوهای پیامبران پیشین عبور کند،<sup>۵</sup> چنان‌که بالاترین حد نگاه او آن بود که شاگردان و مؤمنان رسولان قدیم الگوهای معیوب و باژگونه از پیام‌های راستین رسولان نشان عرضه کرده

بودند، با این حال تصور می‌کنم تعاریف و بازتعریف‌هایش در حوزه فرشته‌شناسی فصلی نوین در بخشی از یزدان‌شناسی ایجاد کرد

اما باورهای جدید اگرچه گاهی از برخی لایه‌های زیرین سنت‌ها عبور می‌کنند، قادر نیستند آنها را به‌طور کلی از بین ببرند (سنج، باربور ۱۳۹۲: ۲۸۴ به بعد). در چنین حالتی معمولاً گونه‌ای الگوی جدید شکل می‌گیرد که ممکن است خود به‌زودی به‌مثابه یک «نمونه» باشد. چنین است انگاره یهودی یاکوب، در مقام یک مثال، که از پیامبر «سردار» (στρατηγός؛ stratēgós) به «سردار فرشتگان» (s'r'r 'y prystg'n) در مکتوبات ایرانی مانوی بدل می‌شود (4bIIv8M) و آنگاه از این انگاره نو که اکنون خود یک «نمونه» است به یکی از «سردار - شهریاران آسمانی» در اسناد چینی مانوی شکل می‌بخشد (H215c-d). از نظر پدیدارشناسی (Phenomenology)، یجوفو (Yejufo) / یاکوب / یعقوب با حفظ وابستگی سخت‌افزاری‌اش به الگوهای مانوی و جرح و تعدیل‌های سنت چینی شکل گرفته است. به‌همین‌سان، کم نبوده‌اند انگاره‌ها و واژه‌های دانشورانه بیگانه‌ای چون چهار کلان‌فرشته روفائیل (rwp'yl) و میخائیل (myx'yl) و گبرائیل (gbr'yl) و سرائیل (sr'yl) که مانویان ایرانی و ترک و چینی معادلی مناسب برای آنها در فرهنگ بومی خویش نداشته و از همین رو آنان را با چنین شیوه‌ای پذیرفته‌اند.

اما ممکن است جریان انتقال مفاهیم همواره از مسیرهای ساده و روان عبور نکند. گاهی جرح و تعدیل‌ها دوسویه هستند؛ بدین معنا که ممکن است انگاره‌ای نه تنها از همان مبدأ دچار تطور شود، بلکه گاهی نیز به دلیل نبود برابرنهاد مناسب در فرهنگ مقصد دچار ایستایی (Static mood) و سپس زوال و حذف گردد. برای جلوگیری از چنین حالتی معمولاً شگرد زبانی تعلیق (Suspense) در مقصد در مقام یک روش به کار گرفته می‌شود. در اینجا، واژه دانشورانه مقصد در میانه‌الگوها و نمونه‌ها می‌کوشد در حالتی بینابینی هم خود را به زبان مبدأ نزدیک کند هم پیوندهایش با زنجیره گنج‌واژه‌های مقصد را نگاه دارد. یکی از مصادیق مهم واژه ایرانی میانه‌frys/štg و مفهوم متناظر با آن است.<sup>۶</sup> این واژه برای ایرانیان مانوی هم انگاره «فرشته» را در ذهن متبادر می‌کرد هم مفهوم «فرستاده» و «پیگ» و «پیام‌آور» و «پیامبر/رسول» را. در حقیقت، انعطاف‌پذیری و ظرفیت لغوی این واژه چنان بود که به مؤمنان اجازه می‌داد در موقعیت‌های مختلف یکی از این مفاهیم را به طریق اولی برگزینند.<sup>۷</sup>

کاررفت یک واژه دانشورانه برای دو مفهوم یکی از دیگر دشواری‌هایی است که در پژوهش‌های متنی همواره دیده می‌شود. واژه آرامی / سریانی ʾyl (با آوانوشت ʾīr) در فارسی میانه مانوی یکی از این نمونه‌هاست. در مکتوبات ایرانی مانوی، این لغت به‌تدریج حذف و

واژه دانشورانه kw «کو» (با دو معنای متفاوت؛ هم شاهزاده و پهلوان و هم غول و دیو) جایگزین آن شد. به محض ورود این واژه به گنجینه لغات دانشورانه مانوی انگاره‌های وابسته زرتشتی‌ای چون «دروج» (drwj) و «پری» (pryg) نیز، که خود در پیوند تنگاتنگ با دیگر مفاهیم ایرانی بودند، به شبکه‌الگوهای مفهومی (Conceptual models) مانویت راه یافتند. برخلاف دیدگاه برخی پیروان مکتب تاریخ ادیان، حرکت یک واژه دانشورانه از یک سنت به سنت دیگر ممکن است با ورود انبوهی از داده‌های وابسته همراه باشد.

### ۳. واژه‌های دانشورانه و کاررفت‌های ویژه

#### ۱.۳ فرشته و فرستاده

بررسی دقیق متن‌های غربی مانوی نشان می‌دهد که گاهی ممکن بود جماعتی از مانویان برای اشاره به رهبران دین / کلیسا (ἐκκλησία) به جای عنوان «فرستاده» (ἀπόστολος) از لغت «فرشته» (ἄγγελος) بهره برده باشند. نمونه بارز آن کفالایون<sup>۸</sup> سی صدوسی وهفت «کفالایای خرد خداوندگارم مانی»<sup>۹</sup> محفوظ در کتابخانه چسترییتی دوبلین<sup>۱۰</sup> است. در سراسر این فصل از کفالا یا (2Keph. 337, p. 390: 15 ff. [pr. 100 ff.]) برگزیدگان رده بالای روحانیت دینی هم «فرستاده» (ἀπόστολος) خوانده شده‌اند هم «فرشته» (ἄγγελος). این تعبیر قطعاً اهمیت زبان‌شناختی نداشته و بدان معنا نبوده که «فرستادگان» دین در ماهیت فرشته‌اند. اینان فقط به‌مثابه فرشته (به معنی ملک) در نظر گرفته شده‌اند، احتمالاً از آن رو که این فرستادگان نیز، همچون ملائکه، در اصل از سرزمین روشنی آمده‌اند. بنابراین، چندان بی‌جهت نبود که نورمن ریکلفس بدون توجه به مفهوم دوگانه frēs/štag تصور می‌کرد مانویت تنها دینی است که پارسایان و ارداوانش را به فرشته بدل کرده است (RICKLEFS 2002: 159)<sup>۱۱</sup> در این باب کفالایای برلین (IKeph. 50, p. 126: 17-23) به نکته مهمی اشاره می‌کند: برای فرشتگان (ἄγγελοι, ἄγγελος) در جهان «رسالت» (ἀποστολή) تعیین شده است. این لفظ به روشنی با ἀπόστολος «رسول، حواری، فرستاده» قابل‌سنجش است.<sup>۱۲</sup> بنابراین، همان‌گونه که در منابع ایرانی برای دو انگاره «فرشته» (ملک) و «فرستاده» (رسول) از یک واژه بهره برده می‌شد، کاررفت این دو به جای هم در منابع غربی مانوی نیز لزوماً نتیجه سوء برداشت یا کاربرد ناصواب واژه‌های دانشورانه نبوده است. این دو واژه به‌آسانی ممکن بود به جای هم به کار روند؛ نگرشی که گاهی ممکن بود در ادبیات شرقی مانوی شامل کاررفت واژه‌هایی چون

«خدا» و «بغ» و «ایزد» به جای «فرشته» نیز شود (← ادامه بحث). ابن ندیم در *المهرست*، هم در توصیف از سه «فرشته» روز حساب، لغت «اله» («ثلاثة آلهة») را به کار می‌برد (ابن ندیم ۱۳۹۰: ۳۱ [ترجمه فارسی] و ۵۵ [اصل عربی]. سنج. ابن ندیم ۱۳۸۱: ۵۹۶ و بعد)<sup>۱۳</sup> و هم در جایی دیگر واژه «مَلک» یا «ملائکه» را به جای «خدا، ایزد» (ابن ندیم ۱۳۹۰: ۲۰ [ترجمه فارسی] و ۴۷ [اصل عربی]). این اتفاق می‌بایست نتیجه کاررفت‌های مشابه میان خود مانویان بوده باشد. این امر البته همه‌گیر نیست. ابن ندیم، در ذکر سجده چهارم نماز مانویان، واژه‌های عالمانه الالهة «ایزدان» و الملائكة «فرشتگان» و اللجنود «سپاه فرشتگان» را از هم تفکیک می‌کند:

أسبح و أسجد للآلهة کلهم، وللملائكة المضيئين کلهم، وللانوار کلهم، وللجنود کلهم، الذين كانوا من الآله العظيم (ابن‌الندیم ۱۹۹۷: ۴۶۶).

می‌ستایم و نماز می‌برم همه ایزدان، و همه فرشتگان پرتوافشان، و همه روشنی‌ها، و همه سپاهیان/ جنگاوران (جنود) را که همه از خداوند بزرگ (= پدر بزرگی) هستند (ولی‌پور/ شکرى فومشى ۱۴۰۱: ۹۳-۹۴؛ ابن‌ندیم ۱۳۹۰ [ترجمه ابوالقاسمی]: ۲۸؛ با اندکی دخل و تصرف).

افزون بر اینها، مانی یکی از ایزدان فراخوانی سوم دینش را به زبان مادریش (سریانی) 'yzgd' (پیک، سفیر، قاصد) نامیده است؛ همان ایزدی که در روایت‌های ایرانی نه تنها ایزد نریسه/ نریسه ایزد (yzd nrysh)/ نریسه ایزد (nrysf yzd) و روشن‌شهر ایزد (rwsnšhr yzd) و زیناریس‌بغ (zyn'rys by) خوانده شده، بلکه نامش به hrdyg fryštḡ (پارتی) و 'štykw pr'yšt'k (سغدی) «فرستاده/ رسول سوم» نیز ترجمه شده است (SUNDERMANN 1979: 100). شاید او این ایزد را به این دلیل «فرستاده، رسول» نامید که بنا بر گزارش بیرونی از گنج *زندگان* و ظایف و خویشکاری‌های سپاه فرشتگان (الجنود، صباپوت) را او معین می‌کند (apud TARDIEU 2008: 37, fragment a). به نقل از تاردیو (۱۴۰۱: ۷۴). قابل توجه است که از او در منابع ایرانی مانوی با عنوان 'yl' «اله» نیز یاد می‌شود؛ لفظی که دیدیم برای فرشتگان نیز به کار می‌رفته است. باری، انتخاب عنوان 'yzgd' برای فرستاده سوم از سوی مانی به روشنی نشان می‌دهد که لفظ fryš/štḡ نه تنها برای فرشتگان به معنی مَلک، و حتی شخصیت‌های تاریخی مانند شخص مانی و سالاران و جانشینان او و برخی انبیاء پیشین به کار می‌رفته، بلکه از میان ایزدان سه فراخوانی دست‌کم فرستاده سوم (نریسه ایزد) را نیز در بر می‌گرفته است (در مورد عیسی، ← ادامه مقاله). گاهی فقط تصور می‌کنیم که با fryš/štḡ به سرزمین فرشتگان قدم گذاشته‌ایم در حالی که به‌راستی یا به ایزدستان مانی رسیده‌ایم یا وارد یکی از مانستان‌های مانوی شده‌ایم.



### ۲.۳ بغ و بغ‌پور

از چگونگی کاربرد کهن واژه «بغ» (MP *by*, Pth. *bg*) و لفظ پارسی «بغ‌پور» (*bgpwhr*) در نوشته‌های مقدس مانوی چه می‌دانیم؟ در متن‌های ایرانی مانوی، اگرچه این عنوان هم به ایزدان (مانند «هرمزبغ» *whrmzyd bg*) و هم به شخصیت‌های تاریخی (مانند «بغ مارمانی» *bg mrym'ny*)<sup>۱۴</sup> اطلاق می‌شده،<sup>۱۵</sup> گاهی فرشتگان نیز با این عنوان فراخوانده شده‌اند.<sup>۱۶</sup> برای نمونه، فرشته وحی مانوی، یمگ، در قطعه فارسی میانه-پارتی *So14415Iv1* (به خط سغدی) *py ymk rwsn* «بغ یمک روشن» و فرشته یاکوب در قطعه *M4bIIv6* «بغ یاکوب فرشته» (*by y'qwv prystg*) خوانده شده است. در این مکتوبات، «بغ‌پور» در سه جایگاه نقش ایفا می‌کرد: هم عنوانی برای فرشتگان بوده؛ هم عنوان دیگری برای ایزدانی که از «پدر بزرگی» تجلی یافته‌اند؛ و هم لقبی برای عیسی. طبیعی بود که پدر بزرگی خود نتواند «بغ‌پور» باشد؛ او «بغ» بود و دیگر ایزدان «بغ‌پور، پسران بغ». این عنوان از نظر دستوری مذکر مجازی بود و بر همین اساس سغدی *βγpwr(')yc* (با نشانه تأنیث سغدی) «دختر خدا» (*SD§2588; DMSB52a*) از روی پارسی *bgpwhr* ساخته شد. بتول نور (دوشیزه روشنی) نیز، همچون همه ایزدان، فرزند خدا بود! اگرچه «بغ‌پور، فغ‌فور؛ فغفور» (*bgpwhr*) در متن‌های مانوی عمدتاً لقبی برای عیسی در نظر گرفته شده،<sup>۱۷</sup> صورت جمع پارسی *bgpwhr'n*<sup>۱۸</sup> و سغدی *βγpwryst*<sup>۱۹</sup> «بغ‌پوران، پسران بغ» هم به ایزدان اشاره داشت هم به فرشتگان. نمونه اعلای آن قطعه *M4bIv12-13* است که در آن آشکارا به *hry bgpwhr'n* یعنی به «سه فرشته» ای اشاره شده که روان ارداوان در گذشته را پس از بخشیدن پاداش‌های وعده داده شده به بهشت هدایت کنند. بنابراین، میان مانویان عملاً این امکان وجود داشت که از لفظ فرشته معنای ایزد و بغ و اله نیز مستفاد شود.

به این مجموعه واژگان باید سغدی *βγpšy* (به خط مانوی) و *βγpš'k* (به خط سغدی) «پسر بغ، پسر خدا» را نیز افزود. برخلاف *βγpwryst* «بغ‌پوران» که علاوه بر فرشتگان در خطاب به ایزدان نیز به کار رفته، *βγpšyt*<sup>۲۰</sup> «پسران بغ، پسران خدا» منحصراً به فرشتگان/ملائکه اشاره داشته است.<sup>۲۱</sup> متن‌های سغدی مانوی نشان می‌دهد که فرشتگان نه فقط «پسران» خدا، بلکه برخی از آنان، بنا بر قطعه *Ch/So14731V14*، «دختران بغ‌پرستار» (*δwγth βγšpšyt*) نیز بودند.

### ۳.۳ مانی، فرستاده روشنی

بی‌تردید کسی تصور نمی‌کند مقصود مانی در سرآغاز کتاب *انجیل زنده‌اش* (نک. SHOKRI-FOUMESHI 2020: 165-175) از عبارت فارسی میانه *m'ny prystg 'yg yyšw' 'ry'm'n* (در M17V12-14) برابر با یونانی *Μαννιχαῖος Ἰησοῦ χριστοῦ ἀπόστολος* (در CMC 66:4-5) آن بوده که وی «فرشته» عیسی مسیح است.<sup>۲۲</sup> در واقع، مراد از فارسی میانه *frēstag* و پارتی *frēštag*، در جایی که سخن در باب مانی است، «فرستاده» به معنی رسول و نبی و پیامبر است؛ همان‌گونه که بعدها ابن ندیم نیز مانی را «رسول النور» خواند (ابن الندیم ۱۹۹۷: ۴۶۵). به دیگر سخن، لفظ *frys/štg* اگرچه هم به معنی «فرستاد/ رسول» است و هم متناظر به «فرشته/ ملک»، اگر در مورد شخص مانی به کار رفته باشد ترجمه فارسی «فرستاده» (رسول)<sup>۲۳</sup> و اگر موضوع متن در باب آن موجودات مجرد معروف باشد، ترجمه فارسی «فرشته» ارجحیت دارد: توم (نرجمیگ) «فرشته» همزاد «فرستاده روشنی» (مانی) بوده است. بنابراین، کاملاً طبیعی است که تصور کنیم مانویان پیامبرشان را «فرشته روشنی» نمی‌خوانده‌اند؛ اگر بخواهیم مقصودمان را به «فارسی» بگوییم، نه به پارتی.<sup>۲۴</sup> از این رو، ترجمه *m'ny frys/štg rwšn* (و همچنین صورت گرده‌برداری شده آن *MC. muât-lâ muâ-ni pjuæt-lji-sjēt-d'ak luo-šjen = ] 摩尼弗哩悉特嚧誥* در متن چینی مانوی *MG* بازیافته از شیاپو، فوجیان)<sup>۲۵</sup> به «مانی، فرشته روشنی» یا حتی «مانی، حواری روشنی» در فارسی رسا به نظر نمی‌رسد؛<sup>۲۶</sup> اگرچه ترجمه *frys/štg* به «حواری» یا «فرشته» به فارسی از نظر فقه‌اللغوی نادرست نیست. روشن است که فارسی میانه *frēstag īg Yišō* (در قطعه M17Vi12-13)<sup>۲۷</sup> در خطاب به مانی همان است که به یونانی *Ἰησοῦ ἀπόστολος* (در متن CMC 66, 4 f, in HENRICHS/KOENEN 1975: 67) و به لاتین *apostolus Iesu* (در متن *Epist. Fund. 5, 197.10 f, in FELDMANN 1987: 10: frg. 1*) و به سریانی *š'īhā d-Išō'* (= *š'īhā d'-yešū'*) «فرستاده عیسی» (به‌ویژه، نک. GULÁCSI 2014: 164-165) برای بحث بیشتر، نک. SHOKRI-FOUMESHI 2015: 166-167) خوانده شده است،<sup>۲۸</sup> مانی در مکتوبات مانوی و غیرمانوی همواره به یونانی *ἀπόστολος* و به لاتین *apostolus* (فرستاده، رسول) خوانده شده است نه *ἄγγελος* و *angelus* (فرشته)؛<sup>۲۹</sup> همان که وی را به سریانی «فرستاده»<sup>۳۰</sup> خوانده‌اند، نه *malakā* «ملک، فرشته» (WATSON 2018: 339).<sup>۳۱</sup> اگرچه هر «فرشته» ای فرستاده هم است، هر «فرستاده» ای فرشته نیست.

انگاره‌ها و کلیدواژه‌های فرشتگانی: ... (محمد شکری فومشی) ۱۳۳

جدول ۱: کاررفت‌های گوناگون دو واژه فارسی «فرشته» و «فرستاده» و واژه‌های وابسته (مفرد و جمع) در منابع موجود مانوی

عربی							
چینی	shi	ملك / ملائکه / اله / آلهه					
ترکی اویغوری		(ming) shi					
سندی		frišti					
پارتی		βrʸštʸ p/f/βrʸštʸ(ʰk/y) pʸ βʸpwrʸ(ʰ)yc βʸpwrʸšt βʸpsʰk βʸpsʸ(t) δwʸth βʸpsʸt					
فارسی میانه		p/fryštg xwdʷwn xwdʷy bg/y bg/ypwʰrʰ(n)					
قبطی		p/fryštg by					
[لاتین]		angelus					
یونانی		ἄγγελος					
سریانی		malakā					
عبری / آرامی		malak					
فارسی متناظر به	پیک / پیام‌آور	فرشته / ملك	سپاه فرشتگان	فرستاده / رسول	آموزگاران مانوی	ایزد / بع	

#### ۴. فرجام سخن، دستاورد و نتیجه‌گیری

پژوهش در فرشته‌شناسی مانوی بدون بررسی واژه‌های دانشورانه و انگاره‌های فرشتگانی غیرممکن است. در اینجا، ابتدا به رفتار مانویان در برابر الگوهای سنت‌های پیشین پرداختیم و کوشیدیم تغییر نگرش مانویّت در این انگاره‌ها را روشن کنیم و نشان دهیم چگونه «طرز تلقی مانوی» منجر به بازتعریف انگاره‌های پیشین شد؛ بازتعریفی که می‌توانست از یک رسول یک فرشته و از آن فرشته یک شاه بیافریند. مقاله نشان داد که خویشکاری هیچ‌یک از فرشتگان مانوی که از آنها در متن‌های جادویی یا نیایشی یاد می‌شود، هم‌ارز کارکرد همانشان در اسطوره‌های کافرکشی، یهودی یا مسیحی نیست. طبیعی بود که مانی هنگام بهره‌مندی و اقتباس از سامانه‌های پیشین در آنها دخل و تصرف کند تا کیشی «نوین» بنیان نهد. در اینجا همچنین کوشیدیم به کاررفت‌های ویژه برخی واژه‌های دانشورانه پردازیم و نشان دهیم که آنها در بافتار مانوی متناظر به چه معنا و انگاره‌ای به کار رفته‌اند. به دیگر سخن، در اینجا واژه‌های دانشورانهٔ بَغ، بَغ‌پور، پیک، پیامبر، فرستاده، و فرشته را بررسی کردیم تا نشان دهیم این لغات عالمانه در چه بافتارهایی ظاهر می‌شوند و به چه مصداق‌هایی اشاره دارند. بررسی‌های ما به روشنی گویای آن بود که همهٔ این دانش‌واژه‌ها نه تنها برای فرشتگان (ملائکه) و شخصیت‌های تاریخی (مانند شخص مانی و رهبران مانوی و همچنین رسولانی چون شیث به کار می‌رفت، بلکه دایرهٔ شمول آن ایزدان سه فراخوانی / آفرینش را نیز در بر می‌گرفت. نمونهٔ مشهور آن 'yzgd' «پیک، سفیر، قاصد» است؛ همان ایزدی که در روایت‌های ایرانی به hrdyg fryštg (پارتی) و 'štykw pr'yšt'k (سغدی) «فرستاده / رسول سوم» نیز نامبردار است؛ یعنی همان ایزدی که بنا بر گزارش بیرونی از گنج زندگان مانی، تعیین وظایف و خویشکاری‌های «سپاه فرشتگان» («الجنود»؛ برابر با ایرانی میانهٔ cβwt «صباپوت») بدو سپرده شده است. مقاله نشان می‌دهد که دانش‌واژهٔ ایرانی میانهٔ fryš/štg در ادبیات مانوی بازتعریف شده و گسترش معنایی یافته است. این نتیجه‌گیری‌ها همچنین گویای آن است که فرشته‌شناسی مانی و واژه‌های دانشورانه در واژه‌شناسی و فرشته‌شناسی مانوی شبکه و نظام مستقلی است که به‌آسانی در هیچ‌یک از قالب‌های فرشته‌شناسانهٔ ایرانی یا سامی نگنجد.

## کوت‌نوشت‌ها

<i>AoF</i>	<i>Altorientalische Forschungen</i>
<i>BAI</i>	<i>Bulletin of the Asia Institute</i>
<i>BSOAS</i>	<i>Bulletin of the School of Oriental and African Studies</i>
<i>CMC</i>	<i>Codex Manichaicus Coloniensis; Kölner Mani-Kodex; Cologner Mani-Codex</i> , in: HENRICHs/ KOENEN 1970, 1975, 1982; KOENEN/ RÖMER 1988; CAMERON/ DEWEY 1979.
<i>DMMPP</i>	DURKIN-MEISTERERNST 2004.
<i>DMSB</i>	SIMS-WILLIAMS/ DURKIN-MEISTERERNST 2012.
<i>Epist.</i>	<i>Epistula Fundamenti</i> , Augustus, ed. by FELDMANN 1987.
<i>Fund.</i>	
<i>H</i>	摩尼教下部讚 <i>Monijiao xiaabu zan</i> [ <i>Mo ni chiao hsia pu tsan</i> ] "The Lower (Second?) Section of the Manichaean Hymns", Ms. S.2659, British Library, trns. by DAOMING (8 <sup>th</sup> c.), ed. by TSUI CHI 1943.
<i>1Keph.</i>	Introduction + chaps. 1-95 (pp. 1-244), in: POLOTSKY/ BÖHLIG 1934-1940; chaps. 95-122 (pp. 244-291), in: BÖHLIG 1966 and GARDNER 1995; chaps. 122-173 (pp. 291-440 [97-353]), in: FUNK 1999-2000.
<i>2Keph.</i>	Chaps. 321-347 (pp. 343-442), in: GARDNER/ BEDUHN/ DILLEY 2018.
<i>MG</i>	摩尼光佛 <i>Moni guangfo</i> "Mani the Buddha of Light", ed. by LIN 2014; YANG/ BAO 2015.
<i>Reader</i>	BOYCE 1975.
<i>SD</i>	GHARIB 1995
<i>ZPE</i>	<i>Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik</i>

## پی‌نوشت‌ها

۱. در ادب پارسی، همچنین به صورت «فریشته، افرشته، فرشته، فرشتک، فرسته».
۲. از همین رو است که بر این باورم کیش مانوی یک نظام دینی مستقلی است که به هیچ وجه عملکردش کنارهم‌نشاندن مکانیکی عناصر کافرکیشی و هلنی و زرتشتی و بودایی و یهودی و مسیحی نبود. در مانویت هیچ عنصری نیست که مانی آن را در نظام جدیدش بازتعریف نکرده باشد. نه «عیسا»ی مانوی دقیقاً همان «عیسا»ی مسیحی است و نه «بهمن» مانوی دقیقاً همان «بهمن» زرتشتی؛ قس علی هذا.
۳. هم‌چنان‌که از نظر گونه‌شناسی هیچ متنی از هیچ پدید نمی‌آید (برای تحلیل‌ها ← نامور مطلق ۱۳۹۱: ۱۴۱ به بعد)، هیچ ایده‌ای نیز به خودی خود شکل نمی‌گیرد.
۴. در مقام یک استدلال سلبی، مانی و شاگردانش هیچ‌گاه یعقوب (Jacob) را که پدر بنی اسرائیل است در سلسلهٔ رسولان پیشین جای نداده‌اند؛ هم‌چنان‌که نامی از او در هیچ متن‌های تعلیمی و در

هیچ فهرستی از رسولان پیش از مانی مانند کفالایا، فصل یکم، ۱۲: ۱۰-۲۱ (IKeph. 1, p. 12: 10-21) نیست.

۵. شاید به دلیل باور به استمرار طولی روح نبوت و سلسله انبیا و نسل رسولان از آدم تا خاتم، چنان‌که خود خویشتن را آخرین آن‌ها می‌دانست. «اصطلاح مُهر پیامبران»، یا چیزی شبیه به این، از زبان شخص مانی به کار نرفته است، ولو او خود را فرجامین فرستاده دانسته باشد (گفتاورد مانی در آغاز شاپرگان به نقل از بیرونی [BIRŪNĪ, *The Chronology of Ancient Nations*, ed. E. SACHAU, London 1879, p. 190, *apud* STROUMSA 1986: 62] استرومسا در جستار مفصلش (STROUMSA 1986: 61-74) نشان می‌دهد که مانویان پس‌اساسانی این «اصطلاح» را در مواجهه با تعبیر اسلامی «خاتم‌الانبیا، خاتم‌النبین» که به پیامبر اسلام اشاره داشت، به کار گرفته‌اند. از آن به بعد بود که این اصطلاح به نقل از مانویان وارد آثار نوشتاری عربی و فارسی شد، اگرچه هر دو واژه «مُهر» و «خاتم» به معنی «مُهر تأیید» (و تأییدیه انبیا و رسولان پیشین) نیز بود (ibid.: 74).

۶. اگرچه در دیانت زرتشتی یاوران اهوره‌مزدا «ایزدان» و «بغان» و برخی از مَقربان و بزرگترین‌هایشان «امشاسپندان» خوانده می‌شوند، واژه ایرانی «فرشته» ذاتاً این امکان را داشت که هر باشنده ایزدی و ستودنی و پرستیدنی را در شبکه مفهومی خویش جای دهد. گسترش کاربرد این واژه در ادبیات متأخر پهلوی و فارسی زرتشتی نشان از آن داشت که شرایط تاریخی جدید لزوم به‌کارگیری از همه ظرفیت‌های لغوی این لفظ برای ارائه تصویری جدید و به‌روزشده از الهیات زرتشتی را اجتناب‌ناپذیر کرده بود. بنابراین، با توجه به آن‌چه در باب لغت و مفهوم «فرشته» بحث کرده‌ام (بخش ۳-۱)، کاربرد لفظ «فرشته» برای ایزدان (چه زرتشتی چه مانوی) در آثار فارسی اصولاً ناصواب نیست. این مبحث متفاوت با تأثیرهای ایرانی بر آثار یهودیان قُمران در کرانه دریای مرده و شباهت برخی عناصر میان این دو است (سنج. حاج‌ابراهیمی / قادری اردکانی ۱۳۸۹: ۱۶-۱۹).

۷. مانویان چینی بدون دراختیارداشتن نمونه محلی برای اعلام مانوی از همان صورت اصیل گرت‌برداری کرده‌اند. در حقیقت، بینش و نگاه چینی‌های مانوی از انگاره «فرشته» همان نبود که طی قرن‌ها در ذهن سامیان فرموله شده بود و در خطاب به برخی از شخصیت‌های اسطوره‌ای و جادویی به کار می‌رفت. مسئله اینجاست که منبع اصلی در دسترس چینی‌های مانوی همان متن‌های ایرانی بود که اگرچه در برخی مواقع رونوشتی از صورت اصیل و آرامی ارائه داده بودند (برای برخی شواهد ← YOSHIDA 1983: 326 ff.; *idem* 1986: 1-15; DURKIN-MEISTERERNST/MORANO 2010: 10-13; MA 2015: 455 ff.)، خود به همان دلیلی که چینیان داشتند مجبور به بازتعریف و تبیین مفهوم «فرشته» شدند. انگاره «فرشته» نزد آنان نیز پیشینه نداشت.

۸. کفالایون (Kephalaion) صورت مفرد و عنوان هر یک از فصول کتاب کفالایا (Kephalaia) است.

## انگاره‌ها و کلیدواژه‌های فرشتگانی: ... (محمد شکرى فومشى) ۱۳۷

10. Chester Beatty Library, Dublin

۱۱. ریکلفس در اینجا می‌گوید (*ibid.*) این نکته را می‌توان از خود متون مانوی تورفان برداشت کرد، در حالی که آشکار است او متوجه دوگانگی معنای ایرانی میانهٔ frys/štg نشده است. مقصود او از ارداوان و پارسایان، برگزیدگان رده بالای سلسله‌مراتب روحانیت مانوی مانند آموزگاران و اسپسگان و حتی رسولانی چون شیث بود.

۱۲. در این سنجش وامدار احمدرضا قائم‌مقامی هستم که در گفت‌وگویی دو لفظ «رسول» و «رسالت» را در تناظر هم مطرح کرد.

۱۳. درحالی که می‌توانست از لغت «ملک» و «ملائکه» بهره برد.

۱۴. مثلاً در قطعهٔ M1/375/ به موازات این شاهد، خوب است این نکته را نیز بیفزاییم که مانی در مواضع مختلف (برای نمونه در قطعهٔ M111v17) «ایزد» (yzd) نیز خوانده شده است.

۱۵. بندیکت پشل (BENEDIKT PESCHL) در نهمین همایش انجمن بین‌المللی پژوهش‌های مانوی (IMAS) که در سپتامبر ۲۰۱۷ در تورین ایتالیا برگزار شد (in “Bayān ud yazdān: words for ‘god’ in Parthian”, 9<sup>th</sup> Conference of the International Association of Manichaean Studies, University of Turin and Museo di Arte Orientale (MAO), Turin, September 11<sup>th</sup>-16<sup>th</sup>, 2017)، در باب کاررفت دو واژهٔ yazad و bay در متن‌های پارتی سخنرانی کرده است.

۱۶. از این رو، مانعی ندارد که فرشتگان را جزء «ایزدستان» یا «ایزدکده» مانوی بدانیم. ایزد به معنی «باشندهٔ ستودنی»، (خواه مینوی خواه کیهانی) است.

۱۷. برای نمونه، yyšw’ bgpwhr «بغ‌پور عیسی» در قطعهٔ M734R4؛ سهو قلم در DMMPP 107a با ارجاع به سطر پنجم قطعه: M734R5.

18. E.g. M7Iri18 apud DMMPP 107a.

19. E.g. M583Iv10 apud DMSB 52a.

20. → *ibid.*

21. M βῡῡῡ CF80, CF128 (in: DMSB 52a); The attestations M βῡῡῡῡ pl. M3600A2\* (unpubl.) S βῡῡῡ kw 10129iiR6 (of Maitreya Buddha) apud N. SIMS-WILLIAMS, 2nd ed. of DMSB, forthcoming (personal communication).

با سپاس از نیکلاس سیمزویلیامز برای در اختیار نهادن این بخش‌های منتشر نشدهٔ ویراست دوم فرهنگ سغدی و بلخی مانوی (اثر مشترک نیکلاس سیمزویلیامز و دژمند دورکین میسترارنست، که ویراست یکم آن از سوی انتشارات برپولس در سال ۲۰۱۲ منتشر شد). دانش‌واژهٔ «پسران خدا» در تناظر با b'nē-hā-elōhīm در مکتوبات یهودی نیست.

۲۲. مانی لفظ «فرستاده عیسی» را به تقلید از پولس به کار برده است (SHOKRI-FOUMESHI 2015: 166ff.).
۲۳. درست همان‌گونه که پائول/ پولس رسول در قطعه S1 یک «رسول» («فرستاده») نامیده شده است (S1V15: 'br gwyšn 'y p'wlys frystg).
۲۴. زمانی وامقی ۱۳۷۸: ۲۷۴، به درستی نوشت: «واژه فرشته امروز در مفهوم دیگری به کار می‌رود که وافی به مقصود و منظور مندرج در متن‌ها که همانا پیامبر و رسول است نخواهد بود».
25. MA 2015: 445, 467-468.
۲۶. اگرچه دانشمندان غیرفارسی‌زبان، مگر در یکی دو مورد استثنا (برای نمونه، MORANO 2004: 225)، همواره عنوان ترکیبی frystg/rwšn را به the apostle of light برگردانده‌اند، این سهو در آثار برخی نویسندگان ایرانی دیده می‌شود؛ شاید بیشتر از آن رو که می‌کوشند ترجمه‌شان را به اصل متن نزدیک سازند. محسن ابوالقاسمی حتی عنوان «رسول‌النور» در خطاب به مانی را، که در الفهرست ابن ندیم آمده، به «فرشته روشنی» برگردانده است (ابن ندیم ۱۳۹۰: ترجمه فارسی در ص ۲۷ و اصل عربی در ص ۵۲)، حال آن‌که در همان بند از الفهرست، به ملائکه الحفظه «فرشتگان نگاهبان» مانی درود فرستاده شده است (همانجا).
۲۷. برای جدیدترین بازسازی این پاره‌دست‌نویس ← SHOKRI-FOUMESHI 2017: 478. با در نظر داشتن این نکته که همه دست‌نوشته‌های مانوی هنوز به‌طور کامل قرائت و منتشر نشده، برای این ترکیب در پارتی فعلاً شاهی در اختیار نداریم. با این حال، سنج. پارتی frystg cy pydr در M233V3 (هویت‌گمان، اندام یکم، مصراع یکم از بیت دوم در BOYCE 1954: 66)؛ که در خطاب به مانی به کار رفته و به معنای «فرستاده پدر» است، نه طبیعتاً «فرشته پدر». نیز هنگامی که متن پارتی مهرنامگ در M1/287/ مانی را با عبارت 'frystg ky 'c pydr مورد خطاب قرار می‌دهد (در اینجا شکل 'frystg نظرگیر است) سخن در باب رسول و «فرستاده» ای است که از سوی «پدر» آمده است.
۲۸. از همین رو است که انگلیسی‌زبان‌ها این عنوان را apostle of Jesus ترجمه می‌کنند. من در این مورد از لفظ «حواری» استفاده نمی‌کنم؛ با این که مطمئنم کسی جایگاه مانی را با مقام حواریون عیسی اشتباه نمی‌گیرد.
۲۹. اگرچه واژه یونانی ἄγγελος ممکن بود هم در مورد گروهی از موجودات مینوی و هم برای نامیدن شخصیت‌های انسانی و حتی برای اشاره به انبیا و پیامبران به کار رود، دست‌کم در عصر مانی (سده سوم میلادی) فقط به آن گروه از موجودات مجرد مینوی دلالت داشت که ما آن را به انگلیسی angel و به فارسی «فرشته» می‌نامیم. برای اطلاعات بیشتر در باب کاررفت واژه فرشته در یونانی و سامی ← RICKLEFS 2002: 40.
۳۰. عبری שלוחא از ریشه ŠLH به معنی «فرستادن، ارسال کردن» (Cf. FITZMYER 2004: 311).



انگاره‌ها و کلیدواژه‌های فرشتگانی: ... (محمد شکری فومشی) ۱۳۹

۳۱. از ریشه L'K که این نیز به معنی «ارسال کردن و فرستادن» است. در باب کاررفت *mal'akh* و *šlihā* برای «فرستاده، رسول» و «فرشته» و جابه‌جایی معنایی آن در یهودیت نخستین و دین سامری ← تحقیق مفصل زیر:

FOSSUM 1985: 144-155.

بنابراین روشن است که در زبان‌های سامی و از جمله در زبان مادری مانی، سریانی، نیز معنی ریشه دو لغت «فرستاده» (رسول) و «فرشته» (مَلَك) یکی است.

## کتاب‌نامه

- ابن الندیم، محمد بن إسحاق (۱۹۹۷)، *الفهرست*، بیروت، المعرفة.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۰)، *مانی به روایت ابن‌الندیم* (متن عربی، ترجمه فارسی)، ترجمه محسن ابوالقاسمی، تهران، طهوری، ج. ۴.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر.
- باربور، ایان (۱۳۹۲)، *دین و علم*، ترجمه پیروز فطورچی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۲ (معرفت‌شناسی ۲۲).
- تاردیو، میشل (۱۴۰۱)، *کیش مانوی*، ترجمه محمد شکری فومشی و ایرج جمشیدی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- حاج‌ابراهیمی، طاهره و علی قادری اردکانی (۱۳۸۹)، «همانندی مفهوم و کارکرد نیروهای خیر و شر در طومارهای بحرالمیت و عقاید ایران باستان»، پژوهش‌نامه ادیان، س ۴، ش ۸، ص ۱-۲۱.
- دوبلوا، فرانسوا (۱۴۰۱)، «ثنویت در سنت ایرانی و مسیحی»، ترجمه سید احمدرضا قائم‌مقامی، در: *دین زرتشتی و ادیان دیگر*، ویراسته سید سعیدرضا منتظری و مجید طامه، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ص ۱۰۱-۱۳۱.
- کفالایا؛ نسخه موزه برلین* (۱۳۹۵)، ترجمه به آلمانی از یاکوب پولوتسکی و الکساندر بولیگ، ترجمه فارسی از مریم قانع و سمیه مشایخ، تهران، طهوری.
- مصاحب، غلام‌حسین (۱۳۸۰)، *دائرةالمعارف فارسی*، ج ۲ (در سه مجلد)، تهران، امیرکبیر؛ کتاب‌های جیبی.
- ولی‌پور، هادی؛ محمد شکری فومشی (۱۴۰۱)، «نمازهای مانویان؛ شمار، زمان، فحوا، و شیوه خوانش»، *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی* ۵ (۱)، ص ۸۳-۹۸.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی بیش‌متنی»، *پژوهش‌های ادبی*، س ۹، ش ۳۸، ص ۱۳۹-۱۵۲.

- BÖHLIG, A. (1966), *Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin*, Band 1: Kephalaia, 2. Hälfte, Stuttgart.
- BOYCE, M. (1954), *The Manichaean Hymn-Cycles in Parthian*, London-New York-Toronto.
- BOYCE, M. (1975), *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Téhéran-Liège (Acta Iranica 9a).
- CAMERON R. & A. J. DEWEY (eds.) (1979), The Cologne Mani Codex (P. Colon. inv. nr. 4780) 'Concerning the Origin of his Body', Missoula.
- DURKIN-MEISTERERNST, D. (2004), *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian* (Corpus Fontium Manichaeorum, Dictionary of Manichaean Texts III,1), Turnhout: Brepols.
- DURKIN-MEISTERERNST, D. & E. MORANO (2010), *Mani's Psalms. Middle Persian, Parthian and Sogdian texts in the Turfan Collection*, Turnhout: Brepols (BTT 27).
- FELDMANN, E. (1987), *Die 'Epistula Fundamenti' der nordafrikanischen Manichäer. Versuch einer Rekonstruktion*, Altenberg.
- FITZMYER, J. A. (2004), *The Genesis Apocryphon of Qumran Cave 1 (1Q20): A Commentary*, 3<sup>rd</sup> ed., Roma (Biblica et Orientalia 18/B).
- FOSSUM, J. (1985), *The Name of God and the Angel of the Lord: Samaritan and Jewish Concepts of Intermediation and the Origins of Gnosticism*, Tübingen.
- FUNK, W.-P. (1999-2000), *Kephalaia I, Zweite Hälfte*, Facs. 13/14 (1999), 15/16 (2000), Stuttgart.
- GARDNER, I. (1995), *The Kephalaia of the Teacher. The Edited Coptic Manichaean Texts in Translation and Commentary*, Leiden.
- GARDNER, I., J. BEDUHN & P. C. DILLEY (2018), *The Chapters of the Wisdom of My Lord Mani. Part III: Pages 343-442 (Chapters 321-347)*, Leiden-Boston: Brill.
- GHARIB, B. (1995), *Sogdian Dictionary. Sogdian-Persian-English*, Tehran.
- GULÁCSI, ZS. (2014), "The Prophet's Seal: A Contextualized Look at the Crystal Sealstone of Mani (216-276 C.E.) in the Bibliothèque nationale de France", *BAI* (NS) 24, pp. 161-185.
- HENRICH, A. & L. KOENEN (1970), "Ein griechischer Mani-Codex (P. Colon. inv. nr. 4780)", *ZPE* 5/2, pp. 97-216 (repr. 1983).
- HENRICH, A. & L. KOENEN (1975), "Der Kölner Mani-Codex (P. Colon. inv. nr. 4780) Περὶ τῆς γέννης τοῦ σώματος αὐτοῦ. Edition der Seiten 1-72", *ZPE* 19/1, pp. 1-85.
- HENRICH, A. & L. KOENEN (1982), "Der Kölner Mani-Codex (P. Colon. inv. nr. 4780) Περὶ τῆς γέννης τοῦ σώματος αὐτοῦ. Edition der Seiten 121-192", *ZPE* 48, pp. 1-59.
- KOENEN, L. & C. RÖMER (eds.) (1988), *Der Kölner Mani-Kodex (Über das Werden seines Leibes)*, Kritische Edition aufgrund der von A. Henrichs und L. Koenen besorgten Erstedition, Opladen.
- LIN WUSHU (2014), *Monijiao huahua bushuo 摩尼教華化補說* [Additional explanations of the Sinification of Manichaeism], Lanzhou: Lanzhou Daxue Chubanshe.

- MA XIAOHE (2015), "On the Date of Ritual Manual for the Celebration of the Birthday of Ancestor of Promoting Well-being from Xiapu", *Open Theology* 1, pp. 455-477.
- MA XIAOHE & M. SHOKRI-FOUMESHI (2020), "xwd'wn (呼大渾) 及其同源詞綜考" [On xwd'wn (呼大渾) and its Cognates], in: 《敦煌學》 [Dunhuang Studies], vol. 36, 2020, pp. 329-345.
- MORANO, E. (2004), "Manichaean Middle Iranian Incantation Texts from Turfan", in: D. Durkin-Meisterernst et al. (eds.), *Turfan Revisited: The First Century of Research into the Arts and Cultures of the Silk Road*, Berlin, pp. 221-227.
- POLOTSKY, H. J. & A. BÖHLIG (1934-1940), *Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin, Band 1: Kephalaia, 1. Hälfte*, Stuttgart.
- RECK, C. (2004), *Gesegnet sei dieser Tag. Manichäische Festtagshymnen. Edition der mittelpersischen und parthischen Sonntags-, Montags- und Bemahymnen*, Turnhout: Brepols (BTT 22).
- RICKLEFS, N. (2002), "An Angelic Community: The Significance of Beliefs about Angels in the First Four Centuries of Christianity", PhD dissertation, Macquarie University, Sydney, 347 pp.
- SHOKRI-FOUMESHI, M. (2015), *Mani's Living Gospel and the Ewangeljōnīg Hymns. Edition, Reconstruction and Commentary with a Codicological and Textological Approach Based on Manichaean Turfan Fragments in the Berlin Collection, Qom (URD Press, 155) [2<sup>nd</sup> ed.: Revised and Expanded, forthcoming]*.
- SHOKRI-FOUMESHI, M. (2017), "Identification of a small fragment of Mani's Living Gospel (Turfan Collection, Berlin, M5439)", *BSOAS* 80 (3), pp. 473-483.
- SIMS-WILLIAMS, N. & D. DURKIN-MEISTERERNST (2012), *Dictionary of Manichaean Sogdian and Bactrian*, Corpus Fontium Manichaeorum, Dictionary of Manichaean Texts III, 2, Turnhout: Brepols.
- STROUMSA, G. G. (1986), "'Seal of the prophets': The Nature of a Manichaean Metaphor", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 7, pp. 61-74.
- SUNDERMANN, W. (1979), "Namen von Göttern, Dämonen und Menschen in iranischen Versionen des manichäischen Mythos", in *AoF* 6, pp. 95-133.
- TARDIEU, M. (2008), *Manichaeism*, transl. into English by M. B. DeBevoise, with an introduction by P. Mirecki, Urbana and Chicago [transl. of *Le Manichéisme*, Paris 1981].
- TSUI CHI (1943), "摩尼教下部讚 Mo Ni Chiao Hsia Pu Tsan 'The Lower (Second?) Section of the Manichaean Hymns'", *BSOAS* 11/1, pp. 174-215; with an appendix by W. B. Henning, "Annotations to Mr. Tsui's Translation", pp. 216-219.
- WATSON, W. G. E. (2018), "Terms for Occupations, Professions and Social Classes in Ugaritic: An Etymological Study", *Folia Orientalia* 5, pp. 307-378.
- YANG FUXUE & BAO LANG (2015), "Xiapu Monijiao xin wenxian 'Moni guangfo' jiaozhu" 霞浦摩尼教新文獻 〈摩尼光佛〉校注 [Critical edition of 'Mani, the buddha of Light', a new Manichaean document from Xiapu], *Hanshan si foxue 寒山寺佛學* 10, pp. 74-115.

۱۴۲ زبان‌شناخت، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

YOSHIDA YUTAKA (1983), "Manichaean Aramic in the Chinese Hymnscroll", *BSOAS* XLVI/2, pp. 326-331.

YOSHIDA YUTAKA (1986), "Remarks on the Manichaean Middle Iranian terms translated in Chinese script (1)", *Studies on the Inner Asian Languages* 2, pp. 1-15.